

## «انقلاب درم» در زمان شاه عباس دوم

یکی از وقایع قابل رسیدگی و مهم دوران پادشاهی شاه عباس دوم صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷) که ذکر آن بمانند بسیاری دیگر از مسائل مربوط به حیات اجتماعی مردم، در متن حوادث تاریخی مذکور نیست ضرب بیش از اندازه پول در دوره آن پادشاه است، بصورتی که منجر به سقوط وضع ثابت پول و طبعاً موجب تورم و سختی معیشت میان طبقات مردم شده بوده است.

تردید نباید کرد که اطلاع برجستین واقعه‌ای تاچه حد از لحاظ

- ۱- شاه عباس ثانی پس از پدرش شاه صفی (اول) در سن ده سالگی به تاریخ ۱۶ صفر ۱۰۵۲ در قزوین به سلطنت رسید و در خسروآباد دامغان در ۲۵ ربیع الاول سال ۱۰۷۷ (بنا به ضبط قصص الخاقانی) درگذشت. نخستین تألیف منفردی که در تاریخ روزگار او نوشته شده است عبارت است از رساله تحصیل پل لوفت P. Luft آلمانی تحت عنوان:

Iran unter Shah Abbas II. (1642-1666). Gottingen 1968.

تحقیق در وضع اقتصادی و پولی یکی از دوره‌های تاریخ ایران مهم و قابل دقت نظر است.

ظاهر آیکانه سندی که ما را بر این واقعه تاریخی مطلع می‌سازد ایاتی است از شاعری به نام ملاقدرتی که در تذکره نصرآبادی تألیف میرزا محمد طاهر نصرآبادی باقی مانده است.<sup>۱</sup>

ملاقدرتی شاعری است که عصر سلطنت شاه عباس دوم را درک کرده و به قول صاحب تذکره نصرآبادی گویا از مردم اصفهان بوده است. شاعر سالهائی از عمر را در هندوستان گذرانید و از مختصر سرمایه‌ای که از آنجا بدست آورد به شغل بزازی پرداخت. ولی چون وقوفی بر آن حرفه نداشت متضرر شد و به روایت کتاب‌مذکور اندکی بعد فوت کرده است.



منظومه‌ای که در آن به تغییرات و سقوط وضع پولی اشاره شده

۱- آقای عبدالرسول خیام پور در «فرهنگ سخنوران»، ذکر این شاعر را در تذکره‌های دیگری که مورد استخراج ایشان بوده است نیافته اند. حسام‌الدین را شدی در «تذکره شعرای کشمیر» (۱: ۳۸۰) می‌نویسد که سلیم تهرانی بر مجموعه ملاقدرتی شعری نوشت که تاریخ آن ۱۰۵۲ بوده

مثنوی است در بیست و سه بیت که نثر آبادی آن را تحت عنوان «در پول شکستن و سرمای اصفهان» در تذکره خود ضبط کرده است. هفت بیت اول این مثنوی در وصف سرمای اصفهان است بدین صورت :

ثنا بر کرم دستگاہی نکوست

که چشم دو عالم به احسان اوست

چه گویم ازین چرخ ناقص عیار

که بسته در عیش بر روزگار

به کیش ستم فوس را کرده زه

چو پیکان شده خنده بر لب گره

نشاندہ چنان چله بر مردمان

که گشتند چله نشین چون کمان

به هر منقلی شعله یخ بسته بود

ز سرما بخاری زئخ بسته بود

ز تر کسی اسکندر آقای دی

چو طنبور در شیشه لرزید می

چو اسکندر آواز جا بسته بود

به دورش هزاران کلک بسته بود

پس ازین ابیات، شاعر به وضع یولی زمان خود می پردازد و

چنین می سراید :

ز خواب گران فتنه بیدار شد  
 چو ماهی به مردم درم بار شد  
 فلوس صفاهان چنان نارواست  
 که کویی به هر کیسه پول ازدهاست  
 نکیرد گدا پول از بس پر است  
 تو کویی مگر شیرش آدم خوراست  
 ز مس آن چنان دهر درهم شده  
 که ماهی به زیر زمین خم شده  
 زر از دست مردم نگرود سفید  
 که از دور کف میزند هر که دید  
 چنان گشته خوار از خلائق درم  
 چو شیرست نقش فلوس این زمان انسانی  
 ز بیمش گسریزند پیر و جوان

۱- اشاره است به این که در آن زمان مرسوم بوده است که بر روی  
 سکه‌ها تصویر شیر ضرب شود. درهمین مضمون شاعر دیگری به نام نویدی  
 شیرازی (تذکره نصرآبادی، ص ۲۸۶) گفته است:  
 ای آنکه حدیث عقل را تفسیری

بیهوده ز بی زری چرا دلگیری

گرمزد طلبکار از قرض دار

ندیدست رسم چنین روزگار

مگر شاه عالم ز روی کرم

کند خلق را شیر گیر درم

دو آن فلس فاجنس را يك كذ

راجش در آفاق بی شك كند

شود دست قلاييان ستم

به تیغ عدالت قلم يك قلم

→ آوردن زر به دست آسان نبود

خوابیده به روی هر فلوسی شیری

صنویه نقش شیر و خورشید را بر روی سکه‌های مسین ضرب می کرده‌اند

(تاریخچهٔ بیرق ایران و شیر و خورشید، تألیف حمید نیرنوری، تهران،

۱۳۴۴، ص ۱۹۹ و نیز سکه‌های شاهان اسلامی ایران، تألیف سید جمال

ترابی طباطبائی، تبریز، ۱۳۵۰، ص ۱۹۰ بعد)

تاورنیه و شاردن از سیاحان اروپائی که در آن روزگار به ایران آمده‌اند

وصف سکه‌های مسی ایران را بدست داده‌اند (نقش ایران و شیر و خورشید،

نوشته سعید نفیسی، تهران، ۱۳۲۸، ص ۶۵-۶۸).

البته نقش «شیر» در بعضی از سکه‌های قدیمی نیز مرسوم بوده است،

ولی چون در دوران صنویه سکه‌های سیم و زربدان نقش مزین نمی شده است

طبعاً ضرب سکهٔ مسی با نقش شیر برای مردم زمانه غریب و ناخوشایند بوده است.

## به تاریخ این انقلاب درم

دل داشت اندیشه از بیش و کم

خرد گفت با من بگو راست زود

«درم چون دو گردید زر رو نموده»

طبق مصراع آخر که ماده تاریخ «شکست پول» و «انقلاب درم» در اصفهان است، این واقعه مربوط است بسال ۱۰۶۴ هجری قمری و از فحوای مضامین مجموعهٔ مثنوی چنین استنباط می‌شود که درین سال پول مسی چندان ضرب شده بوده است که مردم بمانند ماهی که از قلس (بولک) پوشیده است از فلوس مسی «درم بار» شده بودند چندانکه پول طلا در قبال فلوس مسی (به مصداق مصطلح اقتصاد یون که می‌گویند بول بد بول خوب را از میان می‌برد) از دسترس خارج شده بود. بحدی که شاعر بدان وضع اشاره کرده و گفته است: «زر از دست مردم نگر در سفید».

بسیار امکان دارد علت عدم توفیق شاعر در بزازی هم مصادف شدن آغاز کار او با وضع نابسامان پولی مملکت بوده است و همین مسئله موجب برانگیختن او به سرودن این قطعه شده.

جنگهای متوالی و پیر خراج که برای فتح قندهار در عهد شاه عباس ثانی روی داد مسلماً از موجبات اصلی این وضع پولی و اقتصادی است و طبیعی است که سختی ناشی از آن شدیداً متوجه مردم شده است و علی‌الظاهر مورخان هم بدان تصریحی نکرده‌اند.

ظاهراً این نوع فلوس فقط در اصفهان ضرب شده (به استناد

بیت دوم «چو شیرست نقش فلوس این زمان» (ولی چنانچه پیش ازین در حاشیه صفحه ۲۷۰ اشاره شد ضرب نقش شیر بر این نوع فلوس مرسوم و خاص زمان صفویه است.<sup>۱</sup>)  
 شاید این بیت صائب تبریزی (متوفی در ۱۰۸۱) که ملك الشعرای شاه عباس ثانی بود نیز اشاره گونه‌ای است بهمین مسئله، یعنی وضع ناگواری که از «تورم» در روحيات مردم مؤثر افتاده بوده است، تا بدانجا که شاعر به تعریض «سکه آهنی» را به زر نزدیک دانسته است، یعنی بر جای آن نشسته است :

سکه سان رویی از آهن به کف آور صائب

کاین متاعی است که امروز به زر نزدیک است<sup>۱</sup>



شاید مناسب باشد گفته شود که این وضع پولی ظاهراً تا حوالی سال ۱۰۹۶ ادامه داشته است و سید عبدالحسین خاتون آبادی در وقایع -

۱- برای اطلاع بر سکه‌های رایج عهدشاه عباس دوم مراجعه شود به

Coins, medals and seals of the Shahs of Iran (1500-1941) by H. L. Rabino di Borgomale, London 1945.

و بعد مجدداً لیوم آن که جداگانه در سال ۱۹۵۱ در اکسفورد چاپ شده است.

۲- دیوان صائب، چاپ تهران، صفحه ۱۵۴.

السنین ذیل سال ۱۰۹۶ در باب این موضوع نوشته است: «اصلاح زر مسکوک که بعلمی چند کم عیار شده بود در سنه ۱۰۹۶ به عهدۀ رکن الدوله ساروخان قورچی باشی واگذار شد.»<sup>۱</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جلد علوم انسانی